



گذری بر زندگی شهید «خالد بزی»
فرمانده نامدار حزب الله لبنان
«مجهز الاستشهادیین»

۷



«شیخ محمد خجسته» در گفت و گوی
تفصیلی با «بیت المقدس»:

آل خلیفه سیاست «مرگ
تدریجی» را در قبال شیخ
عیسی قاسم در پیش گرفته
است



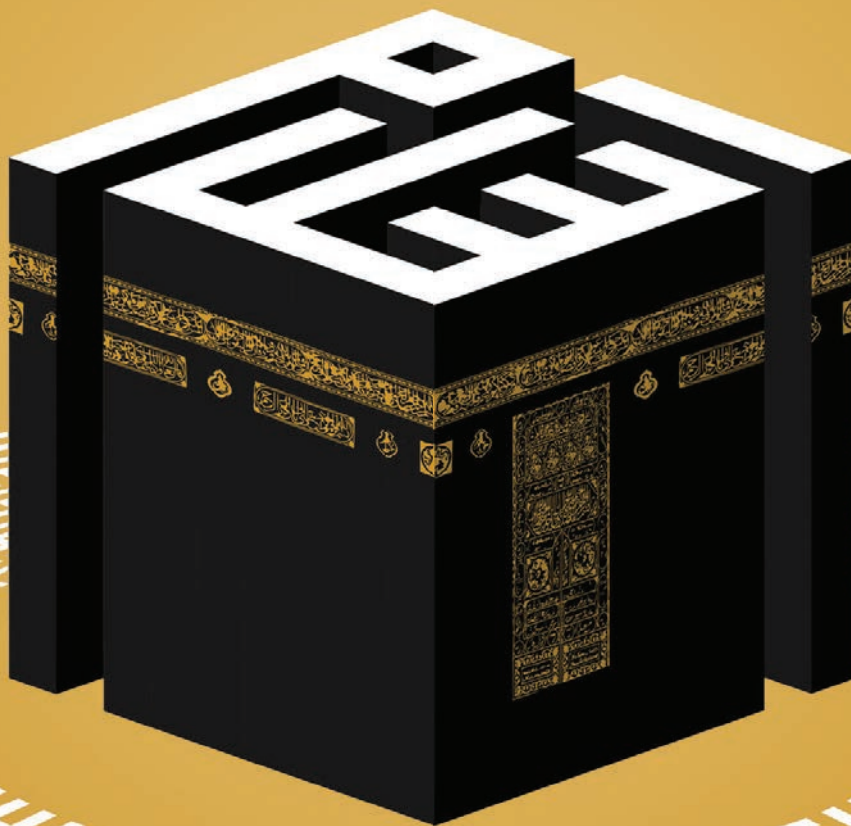
۶

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۴۳ ▶ دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۶ ▶ ۱۵ ربیع الاول ۱۴۳۹ ▶ ۴ دسامبر ۲۰۱۷

«بیت المقدس» بمناسبت هفته وحدت به بررسی دستاوردهای مختلف اتحاد مسلمانان
پرداخته است

کیمیای وحدت

۲



کیمیای وحدت

محمد مهدی رحیمی



وحدت امت اسلامی یکی از مهمترین مسایلی است که قرآن کریم و معصومین (ع) بدان توجه خاصی داشته اند. خداوند در قرآن کریم، هر جاسخن از وحدت و یک پارچگی است، آن را می ستاید و هر جا که از اختلاف و دو دستگی سخن به میان آید، آن را نکوهش می کند. قرآن در موارد گوناگون به مسئله مهم وحدت می پردازد و از بشریت می خواهد که همگی به ریسمان الهی جنگ بزنند و از تفرقه و جدایی پرهیزند. «به ریسمان خدا جنگ زنید و پراکنده نشوید» (آل عمران ۱۰۳)

وحدت اسلامی، از مهم ترین ایده ها و آرمان هایی است که هر مسلمان آزاده، از صدر اسلام تا کنون، آن را فریاد زده است. پیامبر (ص) و دیگر پیشوایان الهی هیچگاه از مسئله وحدت غافل نبودند و آن را رمز موفقیت و سعادت جامعه اسلامی می دانستند. حضرت علی (ع) و دیگر معصومین (ع) در طول حیات مبارک خود به دلیل حفظ همین وحدت، بارها در برابر پایمال شدن حقوق خود سکوت کردند، تا بذر تفرقه و تشتت در بین مسلمانان رشد نکنند و اتحاد مسلمانان حول محور یکتاپرستی، پیامبر اعظم (ص)، کتاب آسمانی مشترک و قبله مسلمانان حفظ شود. بر اساس همین آموزه های سعادت بخش، گفتمان انقلاب اسلامی به مسئله وحدت در جهان اسلام اهمیت زیادی می دهد.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۵۷، حضرت امام خمینی (ره)، وحدت اسلامی را به عنوان شعاری راهبردی بر گرفته از عمق باورهای اسلامی، مطرح ساختند. نامگذاری ایام میلاد پیامبر اعظم (ص) بعنوان هفته وحدت و راهاندازی «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» قسمتی از اقدامات گسترده نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در راستای اتحاد بین مذاهب مختلف اسلامی است. حضرت آیت الله خامنه ای هم همچون امام خمینی (ره) نگاهی استراتژیک به مقوله وحدت دارند. از منظر ایشان اتحاد حداکثری در بین مسلمانان از خواسته های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی است چرا که عزت مسلمین و قدرت آنان در گرو این اتحاد صورت می پذیرد. در صورت داشتن اتحاد حداکثری بین مسلمانان، قدرت جهانی و عزتی بزرگ به دست می آید تا حدی که دیگر دشمنان به فکر تعدی به سرزمین های اسلامی و تصرف ذخایر غنی نفت و گاز و معادن بیشمار که در کشورهای اسلامی وجود دارد، نخواهند افتاد و ثروت های موجود در کشورهای اسلامی، برای پیشرفت همه جانبه امت بزرگ صرف خواهد شد.

آنچه که در سالهای اخیر در منطقه ما به وقوع پیوست از ۲ منظر به خوبی اهمیت مسئله وحدت و جایگاه کارکردی آن برای مسلمانان را نشان داد. نخست مسلمین و بزرگان مذاهب مختلف دیدند که به تعبیر رهبر انقلاب چگونه «دشمنان اسلام توانسته اند با ایجاد جنگ و خلاف در بین خود مسلمین، آنها را فُشل کنند، آنها را مشغول به خود کنند و دشمنان آنها را در حاشیه امن نگه دارند. در منطقه غرب آسیا، رژیم غاصب صهیونیست در امنیت به سر برده، ولی مسلمان ها به جان هم بیفتند! این حقیقت و واقعیتی است که امروز وجود دارد و این کار، کار دشمنان اسلام است؛ کار آمریکا است، کار صهیونیسم بین المللی است، و کار ادامه های آنها و همکاران آنها در این منطقه است». در واقع به عیان نتیجه اختلاف بین مذاهب مختلف اسلامی و برنده اصلی این تقابل و نزاع مشخص شد. آنچه که این سالها بر سوره و عراق گذشت نمایشی عیان از نتایج عملی عدم اتحاد و همراهی بین مسلمین بود. فتنه برادر کشی و جنگ طایفه ای بیش از همه دامن کشورهای اسلامی را گرفت و صهیونیست ها را برنده اصلی این نزاع بی پایان قرار داد. اما از سوی دیگر به مرور بزرگان طوایف اسلامی و پیروان مذاهب مختلف (اگر چه هنوز کاملاً گسترده و فراگیر نشده است) به ارزش و دستاورد عملی «کیمیای وحدت» پی بردند و در دو جبهه سوره و عراق، رزمندگان محور مقاومت اعم از شیعه، سنی و علوی در کنار هم قرار گرفتند تا دامن دین و آیین شان را از پلیدی و سیاهی وصله ای به نام «تکفیر» پاک کنند. کیست نداند که در دفاع مدنی سوره و در حشد شعبی عراق، از همه مذاهب و طوایف اسلامی حضور دارند و خون مطهر شهدای فرق مختلف اسلامی، نهال مقاومت را تا رسیدن به موفقیت پایان سیطره داعش، آبیاری کرده است. امروز مروری بر نظرات و دیدگاه های اندیشمندان مذاهب مختلف اسلامی به خوبی نشان می دهد که بسیاری از ایشان، بیش از همیشه به اهمیت کاربردی وحدت اسلامی پی برده اند.

شمار مسلمانان در آلمان و اروپا همچنان افزایش می یابد



نتایج یک بررسی از افزایش چشمگیر شمار مسلمانان در اروپا و آلمان خبر می دهد. بر این اساس سهم مسلمانان در آلمان تا سال ۲۰۵۰ از حدود ۶ درصد فعلی به ۱۱ درصد افزایش خواهد یافت. این نتیجه ارزیابی انستیتو تحقیقاتی پیو در آمریکا است. محققان این تحقیق سه سناریو را برای روند آینده این تحول تا سال ۲۰۵۰ در نظر گرفته اند. یکی روند تغییرات این تحول بدون مهاجرت های بیشتر، با مهاجرت های متوسط و یا یک توسعه مشابه سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶. بدون در نظر گرفتن مسئله مهاجرت نتایج این بررسی نشان می دهد که دو دلیل برای افزایش سهم مسلمانان در آلمان و اروپا وجود دارد. اول اینکه به طور میانگین مسلمانان در اروپا ۱۳ سال جوان تر از بقیه افراد هستند. دلیل دوم برای چنین روندی این است که نرخ تولد مسلمانان بالاتر است. در این راستا تفاوت بین زنان مسلمان و غیر مسلمان در آلمان کم تر از دیگر کشورهای اروپایی است.

«فادی الشمری» عضو ائتلاف ملی عراق در گفت و گو با بیت المقدس:

محمد فاطمی زاده

هسته اولیه ارتش آزادسازی فلسطین شکل گرفته است



نیروهای مقاومت در عراق و سوریه پس از چند سال مبارزه با ترور یستهای تکفیری موفق شدند به حکومت و خلافت خود خوانده داعش در این دو کشور پایان دهند و سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس با ارسال نامه ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی پیروزی بر این گروه تکفیری را اعلام کرد. در همین زمینه با «فادی الشمری» عضو ائتلاف ملی عراق گفت و گو کردیم که شرح آن از نظر تان می گذرد.

تحلیل شما از اهمیت شکست داعش در عراق و سوریه و پیام پیروزی محور مقاومت در برابر این گروه تکفیری چیست؟ پیش بینی شما از مرحله پسدادش چگونه است؟

تروریست های داعش از سوی دستگاه های اطلاعاتی به ویژه صهیونیستها حمایت و پشتیبانی می شد و برخی از سرکرده های این گروه تروریستی طبق تحقیقات صورت گرفته، اسرائیلی بودند. بیش از ۶۲ تابعیت خارجی عضو داعش بودند و این گروه در حدود تغییر نقشه منطقه و هدف قرار دادن کشورهای عضو محور مقاومت بود ولی به لطف تلاشها و هماهنگی ها میان ایران، حزب الله، دولت سوریه و دولت عراق و تغییر رویه برخی کشورهای حامی تروریسم، پروژه داعش شکست خورد و قواعد بازی در سطح بین المللی تغییر کرد. ما عملیات مقابله با تروریسم را به پایان رساندیم و اکنون عملیات پاکسازی عراق از بقایای تروریسم باید آغاز گردد. در مرحله بعد از شکست داعش باید شرایط و محیط جدیدی ایجاد کنیم تا تروریستها در آن احساس امنیت نکنند. در این موضوع عوامل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و خدمت رسانی به مردم نقش دارد. سطح امنیتی نیز باید ارتقا یابد و در عرصه فرهنگی نیز باید منابع ایجاد و شکل گیری تروریسم خشکانده شود. همچنین منابع آموزشی

در مرحله بعد از شکست داعش باید شرایط و محیط جدیدی ایجاد کنیم تا تروریستها در آن احساس امنیت نکنند. در این موضوع عوامل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و خدمت رسانی به مردم نقش دارد

نقش ایران به ویژه رهبر معظم انقلاب و همچنین سردار سلیمانی را در کسب پیروزی محور مقاومت در قبال تکفیر یها چگونه ارزیابی می کنید؟

نقش جمهوری اسلامی ایران به ویژه سردار سلیمانی حقیقتاً با بیان کلمات ساده قابل تقدیر نیست. ایران با رهبری امام خامنه ای (حفظه الله) نقش بزرگی در کسب این پیروزی داشت. در عرصه میدانی نیز به لطف تلاشها و حضور و مشاوره های سردار سلیمانی منجر به درهم شکستن صفوف داعش شد. مستشاران ایران هم در افزایش سطح توان امنیتی نیروهای عراقی نقش مهمی داشتند. بنابراین اقدامات ایران در حمایت از عراق قابل بیان نیست.

به اعتقاد همگان هدف از ایجاد تروریسم تکفیری آسوده ماندن رژیم صهیونیستی

و اشغال بیش از پیش فلسطین بوده است. آینده تقابل محور مقاومت با صهیونیستها را چگونه تحلیل می کنید؟ با توجه به دستاوردهای کنونی محور مقاومت، آیا امکان تشکیل ارتش آزادسازی قدس وجود دارد؟

علیرغم اینکه آزادسازی قدس و نابودی اسرائیل آرمان و هدف مهمی برای مسلمانان و آزادگان جهان است اما طبق ارزیابی های من، شرایط برای تشکیل ارتش آزادسازی قدس فراهم نیست. البته زمینه ایجاد نیروهای یکپارچه برای مقابله با تهدیدهای آتی به وجود آمده است. هسته های ابتدایی این موضوع شکل گرفته و ریشه دوانده است. امنیت این کشورها منوط به محاصره و تحریم رژیم صهیونیستی و پیگرد اقدامات این رژیم می باشد. ما علاوه بر اقدامات فرهنگی و تقویت توان نظامی خود، باید در عرصه و نهادهای بین المللی نیز در آینده حضور داشته باشیم و در حوزه امنیتی نیز همکاری های مشترکی صورت گیرد.

پس از نابودی داعش، به نظر شما آیا حامیان تروریسم فتنه های جدیدی را برای تضعیف کشورهای اسلامی ایجاد خواهند کرد؟ آیا عادی سازی روابط رژیم های عربی با اسرائیل نیز در همین راستا صورت می گیرد؟

عراق همیشه در معرض و هدف توطئه های بین المللی حتی از سوی برخی از همسایه هایش بوده است. اگر ثبات عراق از بین برود، بر تمام منطقه تاثیر می گذارد. قلب جهان، خاور میانه و قلب خاور میانه نیز عراق است. ما باید با اقدامات کودکانه برخی علیه منطقه و ایجاد بحران های داخلی مقابله کنیم و هوشیار باشیم. همراهی با عراق در حل بحران ها و پیشبرد روند سیاسی، عامل مهم و اساسی برای ثبات منطقه است. هدف و دشمن اصلی ما دشمن صهیونیستی می باشد. از سوی دیگر حل و فصل بحرانهای داخلی موجب تقویت ارتباط با کشورهای دیگر برای مقابله با تروریسم می شود. دست عراق به سوی کشورهای دیگر برای ایجاد ثبات و بازسازی کشور دراز است.

❖ یونسف: ۲۳ هزار نوزاد یمنی سال گذشته میلادی کشته شدند

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونسف) در گزارشی اعلام کرد: در سال ۲۰۱۶ چهار هزار و ۲۷۲ مادر و ۲۳ هزار نوزاد به دلایلی که می‌شود از آن پیگیری کرد، جان خود را از دست دادند.

در این گزارش آمده است: این نهاد بین‌المللی راهبرد جدیدی را برای حمایت از مادران و نوزادان یمنی اتخاذ کرده است.

بر اساس این راهبرد جدید، واحدهای بهداشتی و درمانی برای حمایت و مراقبت از نوزادان بیمار در نظر گرفته خواهد شد تا این کودکان بتوانند به صورت طبیعی رشد کنند.

قلب زمین

حامد رضایی



ضرورت پیگیری وحدت اسلامی از مسیر «علوم اجتماعی»



از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، وحدت میان مذاهب مختلف اسلامی برای خودداری از تعمیق شکاف بین مسلمانان و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان اسلام، یکی از سیاست‌های اصلی رهبران آن بوده است. مسئله‌ای که آنرا به بیان‌های مختلف و در چارچوب‌های متعدد مطرح و دنبال کرده‌اند و در این زمینه تا بدانجا پیش رفته‌اند که با تاسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» عملاً عزم جدی و گام عملی خود را نشان داده‌اند.

اما بی‌پرده باید گفت که سیاست وحدت اسلامی نتوانسته به هدفی که مدنظر داشته برسد. امروز تقابل شیعه و سنی در سطح منطقه به اوج خود رسیده و حداقل در حال حاضر نشانه‌چندانی از بهبود اوضاع مشاهده نمی‌شود.

بسیاری از کارشناسان، وضعیت نامناسب وحدت اسلامی را نه نتیجه ناکارآمدی نهادهایی چون مجمع تقریب مذاهب اسلامی، که معلول فضای سیاست بین‌الملل و منطقه غرب آسیا می‌دانند. نگارنده با این ایده همدل است؛ اما این همدلی به معنای نادیده گرفتن ناکارآمدی برخی نهادهای متولی این امر نیست.

مجمع تقریب، وحدت اسلامی را امری صرفاً «مذهبی» پنداشته که باید از مسیر «فقهی» و «کلامی» و توسط «علماء» و «فقهاء» پیگیری شود. این نظریه با انتقاداتی مواجه است.

در نظریه‌ای که مجمع تقریب در باره وحدت اسلامی بدان معتقد است، تقریب مذاهب با وحدت اسلامی تفاوت دارد. آیت‌الله تسخیری، دبیر کل سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی معتقد است: «تقریب مذاهب، مقدمه وحدت اسلامی است».

در استراتژی مجمع تقریب مصوب سال ۱۳۸۱ آمده است:

«از نظر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تقریب عبارت است از: نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی برای شناخت یکدیگر به منظور دست‌یابی به اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی».

این استراتژی وحدت اسلامی را نیز اینگونه تعریف می‌کند:

«وحدت اسلامی عبارت است از همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک

ملی آنان به منظور رسیدن به امت واحد اسلامی می‌داند.

مجمع تقریب، راه رسیدن به وحدت را تقریب و آشنایی مذاهب فقهی با یکدیگر دانسته است. در این فضا طبیعتاً «فقهاء» نقش محوری می‌یابند. در واقع در پیش‌فرض مجمع، اگر علمای مذاهب بتوانند فقه سایر مذاهب را بشناسند، به اشتراکات فقهی فراوان همدیگر آگاه شده و زمینه برای وحدت اسلامی مهیا می‌شود. مجمع تقریب در برخی موارد عوامل عینی و سیاسی و اجتماعی اختلافات را نادیده گرفته و گمان می‌برد که صرفاً در مسیری فقهی می‌تواند وحدت اسلامی را تسریع بخشد. مجمع گمان می‌برد که اگر به لحاظ فقهی تقریب صورت بگیرد، به لحاظ سیاسی و عملی نیز شاهد تحقق تقریب خواهیم بود. در حالی که این نسبت دقیقاً برعکس است. بسیاری از متفکران و جامعه‌شناسان معتقدند رویکردهای نظری انسان‌ها به تبع موقعیت و شرایط عینی و اجتماعی آنان رقم می‌خورد. در واقع این نزدیکی‌های اجتماعی و سیاسی

تلاش شده تا با تنوع ترکیب میهمانان و نیز تنوع برخی مباحث، کارآمدی بیشتری پیدا کند، اما هنوز هم محل نقد برخی از دلسوزان و کارشناسان است. از جمله برخی مباحث و موضوعات آن، مباحثی که معمولاً از بیان کلیاتی پیرامون ضرورت وحدت فراتر نرفته و وارد فازهای عملیاتی و عینی برای گسترش تقریب و حل منازعات مذهبی جاری در جهان اسلام

رابطه‌ای یکطرفه.

بنابراین در مجمع تقریب، وحدت اسلامی امری «مذهبی» و نه «اجتماعی» پنداشته شده که در فضای «علماء» و نه «توده‌های مردم» قابل پیگیری است. لذا تلاش برای گفتمان‌سازی عمومی و نهادینه کردن فرهنگ تقریب در میان توده‌های مردم بسیار کم بوده است. استفاده از ظرفیت‌هایی چون روزنامه‌ها،

مجمع تقریب مذاهب اسلامی گمان می‌برد که اگر به لحاظ فقهی تقریب صورت بگیرد، به لحاظ سیاسی و عملی نیز شاهد تحقق تقریب خواهیم بود

نمی‌شود.

در پایان اینگونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که پیگیری آرمان وحدت اسلامی، نیازمند یک تغییر رویکرد بنیادی است. وحدت اسلامی به جای مسیر امتحان شده «فقهی»، این بار باید از مسیر «علوم اجتماعی» پیگیری شود. در فضای علوم اجتماعی، اشتراکات شیعه و سنی بسیار بالاست، در حالی که فضاهای فقهی و کلامی خود مولد و عامل اصلی و اولیه اختلافات است.

بنابراین اندیشمندان دغدغه‌مندی که آشنا به مبانی علوم اجتماعی و سیاسی هستند، باید دست به کار شده و برای پیشبرد آرمانی که رهبر معظم انقلاب آن را «اوجب واجبات» نامیده‌اند، نظریه پردازی کنند. سازمان‌های مردم‌نهادی که دغدغه پیگیری آرمان‌های انقلاب اسلامی را دارند باید آستین‌ها را بالا بزنند و با ایجاد ارتباطات مردمی منظم و دامنه‌دار، به تقویت علقه‌های عاطفی میان توده‌های شیعه و سنی بپردازند.

مجلات، صداوسیما، شبکه‌های اجتماعی و ... برای ترویج گفتمان وحدت به شدت مورد غفلت قرار گرفته است. تقلیل وحدت به لایه صرفاً مذهبی آن سبب شده تا مطالعه و پژوهش اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و روان‌شناسانه در حوزه تقریب، جز به تعدادی انگشت‌شمار، انجام نگیرد و راهبردهای نیز بر این اساس تنظیم نشود.

درست است که تیم مدیریتی فعلی مجمع تقریب، داعیه عمومی‌سازی گفتمان تقریب و پیگیری آن در ساحت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را دارد، اما عملاً شاهد اتفاق خاصی در این حوزه نیستیم. میزان تاثیرگذاری اتحادیه‌هایی چون اتحادیه بانوان تقریبی، تجار و بازرگانان تقریبی و ... باید مورد سنجش علمی قرار گیرد. ظاهر قضیه این است که این اتحادیه‌ها، هم‌چون خود کنفرانس وحدت اسلامی، چیزی بیش از یک دوره‌می تشریفاتی و بی‌اثر نیست.

کنفرانس وحدت اسلامی نیز اگرچه در سالهای اخیر

بنابراین اندیشمندان دغدغه‌مندی که آشنا به مبانی علوم اجتماعی و سیاسی هستند، باید دست به کار شده و برای پیشبرد آرمانی که رهبر معظم انقلاب آن را «اوجب واجبات» نامیده‌اند، نظریه پردازی کنند

است که نزدیکی‌های نظری را تقویت کرده و اختلافات سیاسی و اجتماعی است که اختلافات مذهبی را تشدید می‌کند و نه بالعکس. حتی اگر به لحاظ نظری تسلط امر اجتماعی بر امر مذهبی را نپذیریم، حداقل می‌توان گفت که رابطه این دو، یک رابطه دوطرفه و رفت و برگشتی است نه

از مسلمانان به مذهب خود»

مجمع تقریب بر این اساس رسالت خود را «ارتقای سطح آشنایی و آگاهی و تعمیق تفاهم بین پیروان مذاهب اسلامی و تقویت احترام متقابل و تحکیم رشته‌های اخوت اسلامی در بین مسلمانان بدون هیچ‌گونه تمایزی از لحاظ تعلقات فرقه‌ای، قومی یا



ممنوع شدن عکس گرفتن زائران در مکه و مدینه

دولت عربستان سعودی هر گونه عکسبرداری و فیلمبرداری زائران در اماکن مقدس مکه و مدینه را تحت هر شرایطی ممنوع اعلام کرد. این ممنوعیت از سوی وزارت خارجه عربستان سعودی وضع و در مسجد الحرام واقع در مکه و مسجد النبی واقع در مدینه اعمال خواهد شد. این وزارتخانه در یادداشتی دیپلماتیک به تمامی نمایندگان خارجی مجاز حاضر در عربستان، آنها را از اعمال چنین ممنوعیتی با خبر کرد. مقامات سعودی اعلام کردند این ممنوعیت در چارچوب حفاظت و نگهداری از این اماکن مقدس و همچنین حفظ آرامش زائران حین انجام اعمال حج و عبادت وضع شده است.

امیر محمد اسماعیلی

زمانه ناکامی های بی پایان شاهزاده جوان



طی مصاحبه خود با «توماس فریدمن»، خبرنگار مشهور نیویورک تایمز عنوان کرد که «ایران اکنون بر چهار پایتخت عربی حکومت می کند». البته در خصوص گزارش نوشته شده توسط فریدمن انتقادهای زیادی از سوی خبرنگاران رسانه های مختلف خارجی وارد شده است. حتی وبگاه «امریکن کانزروتیو» این مصاحبه را «نامه عاشقانه فریدمن به یک جنایتکار جنگی» توصیف کرد.

از سویی نباید این نظر را از خاطر دور داشت که بن سلمان در پی اقدامات خود در حمایت و تقویت تروریست های داعش سبب شد تا کشورهایی که با داعش دست به گریبان بودند در رابطه خود با عربستان سعودی تجدیدنظر کنند. موضوعی که حتی مردم این کشورها نیز مدت ها زمان می برد تا با آن کنار بیایند. دکتر کالین کاول، استاد دانشگاه بلوفیلد در بخشی از گفت و گوی تفصیلی خود با بیت المقدس به این موضوع پرداخت: «مردم و دولت عراق و سوریه به خوبی از این موضوع آگاهند که عربستان سعودی به صورت مستقیم

پیروزی محور مقاومت در آزادسازی خطی از تهران به بغداد و دمشق و بیروت تمام ماجرا نیست و پیروزی اصلی زمانی اتفاق می افتد که پرچم اسلام بر فراز بیت المقدس به اهتزاز در آید

اسلامی سبب شود تا جامعه اسلامی متوجه رژیم اشغالگر قدس نشود، از بین رفت و دغدغه اصلی جهان اسلام که آزادسازی قدس شریف است به جایگاه اصلی خود بازگشت. موضوعی که همه هم پیمانان این رژیم را سخت آشفته کرده است. علاوه بر این، این پیروزی بار دیگر اقتدار و پایداری محور مقاومت را به رخ همه قدرت های استبدادی و استکباری منطقه و جهان کشید و سبب تقویت جایگاه جمهوری اسلامی در رهبری این محور شد. محوری که سبب پریشانی این روزهای رژیم سعودی شده است. دو هفته قبل بود که محمد بن سلمان

شاهزاده جوان سعودی که این روزها در میان افکار عمومی نسل جوان عربستان جایی برای خود باز کرده نه تنها کار ساز نبوده بلکه سبب کشتار و بی ثباتی بیشتر نیز شده است؟

داعش؛ شجره خبیثه ی سعودی-آمریکایی

این روزها خبر آزادسازی شهر بوکمال به دست نیروهای مقاومت بارهبری سردار سلیمانی به خبر اول بسیاری از رسانه ها و نشریات داخلی و خارجی تبدیل شد. با این پیروزی، حاکمیت داعش در منطقه به پایان رسید و این گروه تروریستی که توانسته بود بخش های عظیمی از دو کشور سوریه و عراق را در دست بگیرد، همچون اسلاف خود به زباله دان تاریخ پیوست. شجره خبیثه ای که تاریخ انقضای آن از سوی اربابان آمریکایی-وهابی- صهیونیستی اش سی سال عنوان شده بود در کمتر از سه سال با جانی فشانای نیروهای مقاومت برچیده شد. با نابودی داعش، عروسک دست آموزی که قرار بود علاوه بر زمین گیر کردن نیروهای مقاومت و جمهوری

منطقه غرب آسیا در سال های اخیر تحولات و تنش های متعددی را پشت سر گذاشته است؛ تنش هایی که ماهیت سیاسی دارند و نه مذهبی. هر چند دولت های غربی و متحدان منطقه ای آن ها سعی دارند تا این اختلافات را رنگی مذهبی و نژادی دهند و آن را گاهی نزاع عرب و عجم و گاهی شیعه و سنی بنامند. موضوع مورد بحث در این نوشتار رفتار ماجراجویانه ای است که عربستان سعودی در سیاست های منطقه ای و جهانی اش در پیش گرفته است. در اینجا بهتر است بگوییم سیاست های ماجراجویانه شاهزاده جویای نام سعودی، «محمد بن سلمان». پروفیسور چارلز اشمیت، عضو موسسه مطالعات خاور میانه واشنگتن نیز در گفت و گویی که با بیت المقدس داشت معتقد بود که «در حال حاضر دستور کار سیاسی محمد بن سلمان در حال اجراست؛ بنابراین اگر او به عنوان پادشاه به قدرت برسد یا نرسد، تغییر زیادی را شاهد نخواهیم بود».

در هر صورت هر چند می توان به ابعاد مختلفی از این رفتار و تأثیر آن بر سیاست خارجی دولت های غربی اشاره کرد اما در اینجا تنها به بررسی جهت گیری های عمده ای می پردازیم که از سوی ریاض در برابر شکست داعش و بمن اتخاذ شده است؛ سیاست هایی که حتی به زعم بسیاری از اتاق های فکر و اندیشکده های غربی نیز راه به جایی نبرده و تنها سبب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه شده است. به عبارتی ما قصد داریم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا ماجراجویی های

وقتی ائتلاف عربی از پس یکی از فقیرترین کشورهای جهان بر نمی آید چطور می خواهد بارهبر محور مقاومت رودررو شود؟!



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[قلب زمین]

داده است. این روزها خبرهای موثقی از اقدامات بن سلمان در دستگیری و شکنجه تعداد کثیری از شاهزادگان به گوش می‌رسد. از سویی دیگر با اقدامات اخیر که این شاهزاده در اعطای برخی آزادی‌های اجتماعی به زنان کرده است این پیام به علمای وهابی رسیده که شاهزاده جوان قصد دارد قدرت آن‌ها را به چالش بکشد. بر همین اساس بن سلمان این روزها به حریفی بیرونی نیاز دارد تا زیر سایه آن بتواند نیروهای داخلی را متحد و سرکوب کند و طرح‌های اصلاحاتی خود را در پیش بگیرد و از سویی دیگر مانع از رسیدن بیداری اسلامی به کشور خود شود.

در این خصوص پروفیسور جیمز گلین، استاد تاریخ معاصر خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در بخشی از گفت‌وگوی خود با بیت المقدس، به ترس و پریشانی حکومت‌های مستبد عربی ناشی از شکل‌گیری بیداری اسلامی در منطقه اشاره کرده است: «عربستان سعودی به دلایلی به قیام‌های عربی به عنوان مصیبتی بالقوه نگاه کرد. مهم‌تر از همه، عربستان سعودی حمایت‌کننده وضعیت موجود در منطقه و هژمونی سعودی غربی است. این قیام‌ها تنها متحدان خود کامه عربستان سعودی را تهدید کرد بلکه نظم منطقه‌ای و بسیاری از پایه‌های مشروعیت آن‌ها را نیز به خطر انداخت. بعد از همه این حرف‌ها این قیام‌ها بیم گسترش قلمروی دموکراتیک و حقوق بشر در منطقه را به وجود آورد... سعودی‌ها همچنین از این موضوع ترسیدند که قیام‌های عربی راه را برای نفوذ ایران در سراسر منطقه باز کند. از این رو عربستان سعودی در یمن و همچنین در بحرین مداخله کرد.»

در مجموع چنین به نظر می‌رسد که تحولات جاری غرب آسیا به میل شاهزاده جوان سعودی و متحدان

به راحتی از آن خارج شود. در واقع ائتلاف عربی حتی از به زانو درآوردن «فقیرترین کشور منطقه» ناتوان است و این موضوع سبب شده که حتی مردم این کشورها نیز از این بی‌لیاقتی‌ها و البته مسلمان‌کشی‌ها به ستوه آیند. از سویی دیگر پیروزی اخیر محور مقاومت به رهبری ایران علیه تروریست‌های داعش سبب فشار بیش‌ازپیش به رژیم سعودی شده است. چراکه بنا بر آنچه جنگ سرد میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی نامیده می‌شود همچنان قدرت و نفوذ ایران در حال گسترش است. اخیراً زمزمه‌هایی از جنگ میان عربستان و ایران شنیده می‌شود که به نظر می‌رسد آن چیزی نباشد که سعودی‌ها انتظارش را بکشند؛ چراکه وقتی ائتلاف عربی از پس یکی از فقیرترین کشورهای جهان بر نمی‌آید چطور می‌خواهد با رهبر محور مقاومت رودررو شود؟!

وقتی که با مروا عثمان تحلیل‌گر مسائل منطقه در خصوص حملات ائتلاف عربی و افزایش آن‌ها طی ماه‌های اخیر گفت‌وگو کردیم، این استاد دانشگاه و تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه با بیان اینکه ارزش‌های انسانی در یمن زیر پای گذاشته می‌شود به نکات ظریفی اشاره کرد: «حملات پیاپی موشکی که اخیراً افزایش یافته‌اند، یک موفقیت عظیم و پیروز مندانه از سوی مقاومت انصار الله به حساب می‌آید و من فکر می‌کنم این موضوع سعودی‌ها را تحت فشار قرار خواهد داد تا هر چه سریع‌تر راه‌حلی را برای بانلاق یمن بیابند؛ اما تنها مانع ممکن است طرح‌های احقمانه‌ای باشد که محمد بن سلمان در نظر بگیرد؛ چراکه وی شکست از سوی یمنی‌هایی که آن‌ها را پست‌تر از خود می‌پندارد، نمی‌پذیرد. اگر او (بن‌برحان) را تشدید کند، در این صورت هزینه سنگینی را می‌پردازد؛ چراکه مقاومت



در طول این سه سال مردم یمن شاهد حملات وحشیانه نیروهای سعودی بوده‌اند اما وقتی تنها یک موشک به سوی فرودگاه سعودی شلیک می‌شود صدای سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از رژیم سعودی بلند می‌شود و اتحادیه عرب نشست تشکیل می‌دهد و محور مقاومت را محکوم می‌کند

غربی-صهیونیستی‌اش رقم نخورده است. به بیان دیگر افزایش قدرت محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی بدان معنی است که نگرانی‌های ریاض-تل‌آویو بیش‌ازپیش افزایش می‌یابد. موضوعی که بن سلمان را در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی تحت فشار بیشتر قرار می‌دهد.

یمن را به این زودی‌ها نابود شدنی نمی‌بینم. البته نباید رفتارهای خصمانه عربستان را صرفاً در سطح بین‌المللی تحلیل کنیم وقتی به اوضاع داخلی این روزهای عربستان نگاه می‌کنیم، متوجه این واقعیت می‌شویم که نظم داخلی جای خود را به جنگ قدرت در میان شاهزادگان و بی‌ثباتی داخلی در سرزمین سعودی



وقتی به اوضاع داخلی این روزهای عربستان نگاه می‌کنیم، متوجه این واقعیت می‌شویم که نظم داخلی جای خود را به جنگ قدرت در میان شاهزادگان و بی‌ثباتی داخلی در سرزمین سعودی داده است

واقع می‌توان آن را بر هر اساسی نسل‌کشی آشکار نامید، مردم یمن همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دهند. نزدیک به سه سال است که ائتلاف کشورهای عربی به رهبری شاهزاده سعودی مردم، زنان و کودکان یمنی را قتل‌عام می‌کنند. در این میان اگر رسانه‌ای دم برآورد یا آن را با پول می‌خرند و یا سایر رسانه‌های جریان اصلی را برای خفه کردن آن صدا اجیر می‌کنند. مدتی قبل با کاترین شاگام، مفسر بریتانیایی در این خصوص گفت‌وگویی تفصیلی داشتیم. او معتقد بود «در حال حاضر یمن در حال تجربه یک فاجعه انسانی است. چند نفر باید بمیرند تا این بحران را یک جنگ واقعی بنامیم؟! آیا تلاش برای قتل‌عام کامل یک ملت کافی نیست؟! یمن صحنه هولناکی از تمام جنایاتی است که یک ملت می‌تواند علیه ملتی دیگر مرتکب شود. یمن به فراموشی محکوم شده است. مردمش از گرسنگی جان دادند، مرزهایش مورد تجاوز قرار گرفت، به ایمانش هجوم برده شد، تاریخ و رسومش در بازار سیاه به فروش رانده شد و آینده‌اش رو نابودی رفت. هر چیزی که لازم بود تا ابد یمن را نابود کند، انجام شده است. با این وجود هنوز مردم یمن به جنبش مقاومت خود ادامه می‌دهند.» این صحبت‌های فعال حقوق بشری است که به خوبی از وضعیت انسانی در یمن پرده برمی‌دارد.

ضمن اینکه نباید از سکوت مرگ سازمان‌های بین‌المللی غافل شویم. زمانی که دبیر کل سازمان ملل، عربستان سعودی را در «لیست سیاه کودک کشان» قرار داد، با تهدید اینکه در صورت حضور رژیم سعودی در این لیست، این سازمان از کمک‌های مالی عربستان بی‌بهره خواهد شد، سرعنان این رژیم کودک‌کش از لیست پاک شد تا بار دیگر ریاکاری سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی اثبات شود. در طول این سه سال مردم یمن شاهد حملات وحشیانه نیروهای سعودی بوده‌اند اما وقتی تنها یک موشک به سوی فرودگاه سعودی شلیک می‌شود صدای سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از رژیم سعودی بلند می‌شود و اتحادیه عرب نشست تشکیل می‌دهد و محور مقاومت را محکوم می‌کند و شبکه‌ی بی‌بی‌سی با عادل الجبیر مصاحبه‌ای را در بیان مظلومیت عربستان سعودی ترتیب می‌دهد!

در هر صورت باید به این نکته اشاره داشت که رژیم سعودی با فرماندهی محمد بن سلمان نزدیک به سه سال است که در باتلاقی فرو رفته که قادر نیست

مسئول ایجاد و تأمین مالی داعش است. در نتیجه و با توجه به تخریب و ویرانگری‌های منطقه‌ای داعش، مردم خاورمیانه و همچنین مردم سایر قسمت‌های جهان، حاکمان غیرمنتخب آل سعود و حامیان امپریالیستی آن‌ها یعنی ایالات متحده و انگلستان را مسئول اصلی ویرانی‌های وارد شده به مردم و کشورهای این منطقه می‌دانند. البته رئیس‌جمهور سوریه با همکاری ایران و روسیه توانسته است داعش را نابود کند و قلمروی اشغال شده این کشور را پس بگیرد. در نتیجه شهرت و آوازه بن سلمان بیش‌ازپیش از بین رفت؛ به گونه‌ای که او به عنوان یک استراتژیست شکست‌خورده شناخته می‌شود.

در هر صورت دیگر داعشی در منطقه وجود ندارد که بخواهد توان نیروهای مقاومت را بگیرد و تمرکز جهان اسلام به سوی اصلی‌ترین هدف مسلمانان منعطف شده است. صحبت‌های نماینده فلسطین «اجلاس جهانی محبان اهل بیت (ع) و مسئله تکفیری‌ها» که اخیراً در تهران برگزار شد، قابل توجه بود؛ زمانی که تأکید کرد که پیروزی محور مقاومت در آزادسازی خطی از تهران به بغداد و دمشق و بیروت تمام ماجرا نیست و پیروزی اصلی زمانی اتفاق می‌افتد که «پرچم اسلام بر فراز بیت‌المقدس به اهتزاز درآید»

در مجموع می‌توان این طور عنوان کرد که طرح‌های شاهزاده جوان سعودی در تقویت فرقه‌گرایی و حمایت از تروریست‌های داعش راه به جایی نبرد و نهایتاً این شجره خبیثه نابود شد. یکی دیگر از برکات این خباثت تقویت و شکل‌گیری بسیج‌های مردمی در عراق (الحشد الشعبی) و سوریه بود که جایگاه مردمی دارد و به همین دلیل استحکام بیش‌ازپیش محور مقاومت را در پی داشته است. حالا آمریکا و متحدانش تنها نمی‌توانند با حمایت از دولت‌های منطقه‌ای و حتی سرکار آوردن دولت‌های دست‌نشانده سبب شوند تا جبهه مقاومت که بدنه اجتماعی پیدا کرده، به راحتی تضعیف شود.

یمن: تراژدی ایمان و مقاومت

از روزهای ابتدای جنگ، یعنی اواخر مارس ۲۰۱۵، عربستان سعودی و ائتلاف نظامی آن به طور سیستماتیک، زیرساخت‌های غیرنظامیان یمنی را هدف قرار داده‌اند؛ از جمله بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها و هرگونه ساختاری که یمن برای حفظ سیستم سلامت خود به آن متکی بوده است. علی‌رغم حملات وحشیانه‌ای که در





◀ **سال ۲۰۱۹ به عنوان سال «میراث فرهنگی در جهان اسلام» معرفی شد**

دهمین اجلاس وزیران فرهنگ کشورهای عضو سازمان علوم، فرهنگ و آموزش اسلامی (آیسیکو)، در شهر خارطوم به کار خود پایان داد. در این اجلاس از کشورهای اسلامی خواسته شد که با تعیین روزهای ملی میراث فرهنگی در کشورهای خود، فرصتی برای بازدید رایگان شهروندان از آثار باستانی و تاریخی با هدف ایجاد آگاهی عمومی نسبت به میراث فرهنگی و حفاظت از آن‌ها، ایجاد کنند. شرکت کنندگان در این اجلاس، سال ۲۰۱۹ میلادی را به عنوان سال میراث فرهنگی در جهان اسلام معرفی کردند، این در حالی است که شهر قدس شریف نیز به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۹ انتخاب شده است.

«شیخ محمد خجسته» عضو ارشد جمعیت «الوفاق» بحرین در گفت‌وگوی تفصیلی با «بیت المقدس»:

آل خلیفه سیاست «مرگ تدریجی» را در قبال شیخ عیسی قاسم در پیش گرفته است



شیخ عیسی باید وارد عمل شوند، اما امروز تنها خواهان معالجه شیخ عیسی نیستیم، بلکه به دنبال آزادی وی هستیم. اگر قرار باشد، شیخ معالجه شود و سپس بار دیگر تحت اقامت اجباری قرار گرفته و همان رفتارهای خصمانه سابق با وی انجام شود، این معالجه هیچ فایده‌ای برای ما نخواهد داشت.

▼ **امروز اخبار عادی سازی روابط اعراب با صهیونیست‌ها پیش از پیش مطرح می‌شود. آل خلیفه نیز در خط مقدم عادی سازی روابط با تل آویوا پیستاده است. ارزیابی شما در این باره چیست؟**

نه تنها رژیم آل خلیفه که سران دیگر کشورهای عربی نیز به سمت عادی سازی روابط با صهیونیست‌ها حرکت می‌کنند. در هر حال، وجود روابط تنگاتنگ میان کشورهای حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی مسئله امروز و دیروز نیست. این روابط از دیرزمان وجود داشته است. البته اشکال مختلف این روابط در گذشته همواره به صورت پنهانی جریان داشته است. اما امروز در روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی شاهد یک تفاوت هستیم و آن، این است که روابط به صورت علنی و در برابر دیدگان همگان اتفاق می‌افتد.

سران کشورهای حاشیه خلیج فارس برای توجیه مناسبات مختلف خود با رژیم صهیونیستی و اقناع افکار عمومی به لزوم وجود اینگونه روابط، یک دشمنی فرضی برای خود خلق کرده‌اند: دشمنی به نام جمهوری اسلامی ایران. سران عربی به خوبی می‌دانند که ملت‌هایشان هیچگونه رابطه با رژیم صهیونیستی را بر نمی‌تابند و با آن به مخالفت بر می‌خیزند. درست به همین دلیل است که به یکباره از ایران به عنوان یک دشمن یاد می‌شود تا ملت‌ها نسبت به ضرورت رابطه با تل آویو برای مواجهه با دشمن مشترک قانع شوند.

طی سال‌های اخیر و در راستای همین پروژه اتهامات زیادی به ایران زده شد. به ملت‌های مسلمان اینگونه القاء کردند که ایران حامی تروریسم است و قصد نابودی اهل تسنن را دارد. آن‌ها ملت‌هایشان را اینگونه فریب داده‌اند که ما برای مقابله با تهدیدات ایران به حمایت‌های رژیم صهیونیستی احتیاج داریم. بنابراین، افکار عمومی مخالف عادی سازی روابط با تل آویو هستند؛ در غیر این صورت، آل خلیفه برای اقناع آن‌ها از سیاست توسل به «دشمن فرضی» بهره‌برداری نمی‌کرد.

▼ **وزیر خارجه بحرین، قطر را به دخالت در امور این کشور متهم کرده است. این در حالی است که آل خلیفه پیشتر ایران را عامل هر چه و مرج در**

با وجود گذشت حدود هفت سال از انقلاب مردمی در بحرین، رژیم آل خلیفه همچنان از عمل به مسئولیت‌های خود در قبال مطالبات مشروع و قانونی انقلابیون بحرینی طفره می‌رود و حتی بدیهی‌ترین حقوقشان را از آن‌ها سلب می‌کند. طبق آخرین اخبار و گزارش‌ها آل خلیفه برای ایجاد موجی از رعب و وحشت در صفوف مردم جهت منصرف ساختن آن‌ها از تداوم راه انقلاب، زندانیان سیاسی بحرینی را تحت شدیدترین مجازات‌ها قرار می‌دهد. از سوی دیگر، وضعیت جسمانی شیخ عیسی قاسم به دنبال ممانعت آل خلیفه از مداوای وی توسط پزشکان رو به وخامت نهاده است و مخالفان بحرینی نسبت به هر گونه اتفاق ناگوار برای وی هشدار داده‌اند.

در همین ارتباط گفت‌وگویی با شیخ «محمد خجسته» عضو ارشد جمعیت «الوفاق» اصلی‌ترین جریان مخالف حکومت در بحرین انجام داده‌ایم که مشروح آن را مطالعه می‌کنید:

▼ **اوضاع جسمانی شیخ عیسی قاسم که در اقامت اجباری به سر می‌برد، رو به وخامت نهاده است. آیا آل خلیفه تعمداً قصد جان شیخ عیسی را کرده است؟**

شیخ عیسی قاسم پیش از آنکه تحت اقامت اجباری قرار گیرد از مشکلات قلبی و افزایش فشار و قند خون رنج می‌برد. به همین دلیل وی به صورت ماهانه حداقل دو بار تحت معاینات پزشکی قرار می‌گرفت. اما پس از قرار گرفتن شیخ عیسی تحت اقامت اجباری، رژیم آل خلیفه اجازه معاینه وی توسط پزشکان را نداد. بنابراین، اگر امروز وضعیت جسمانی شیخ عیسی رو به وخامت نهاده است، علت اصلی آن ممانعت آل خلیفه از معاینه دوره‌ای وی توسط پزشکان است. پس از وخامت حال شیخ عیسی، آل خلیفه چاره‌ای جز صدور مجوز برای معاینه وی نداشت. پس از معاینه شیخ عیسی، پزشکان تشخیص دادند که وی دچار خونریزی داخلی از ناحیه معده شده و برای انجام معاینات بیشتر باید هر چه سریع‌تر به بیمارستان منتقل شود، چرا که شاید به عمل جراحی نیز احتیاج داشته باشد.

در هر صورت، واقعیت این است که رژیم آل خلیفه سیاست «مرگ تدریجی» را در قبال شیخ عیسی قاسم در پیش گرفته است. این رژیم با خونسردی و به صورت تدریجی قصد ترور شیخ عیسی را دارد. با توجه به وضعیت کنونی، جامعه جهانی و سازمان‌های حقوق بشری برای نجات

که بحرین تحت اشغال عربستان سعودی است. در حال حاضر، تمامی تصمیماتی که برای مقابله با انقلابیون بحرینی اتخاذ می‌شود، در اتاق‌های فکر عربستان طراحی می‌شوند. سعودی‌ها در قامت دفاع از مشروعیت در بحرین حاضر می‌شوند، حال آنکه خودشان دشمن اصلی مشروعیت ملت بحرین هستند.

من خطاب به مقامات سعودی می‌گویم که شما با دخالت نظامی خود در بحرین و همچنین با مداخلات بی‌جا در جزئی‌ترین تصمیم‌گیری‌های خاندان حکومتی آل خلیفه، به جنگ با مشروعیت مردم آمیدید و نمی‌توانید ادعای حمایت از آن را داشته باشید. خاندان آل خلیفه در سایه سلطه‌جویی‌های آل سعود قادر به اتخاذ ساده‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در کشور نیستند. عربستان به بحرین به چشم یک کشور تحت مستعمره و تحت اشغال خود می‌نگرد. بنابراین، اگر آل سعود به راستی حامی مشروعیت در بحرین است، بهتر است دخالت‌های نظامی و سیاسی خود در این کشور را هر چه سریع‌تر متوقف کند.

▼ **اتحادیه عرب سازمانی است که برای دفاع از حقوق ملت‌های عربی تشکیل شده اما در عمل هیچ گامی برای مردم بحرین بر نمی‌دارد. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟**

وجود روابط تنگاتنگ میان کشورهای حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی مسئله امروز و دیروز نیست. این روابط از دیرزمان وجود داشته است

بله درست است. در ظاهر اتحادیه عرب برای انجام چنین مسئولیت‌هایی تأسیس شد. اما این حال، با کمالات خود کامه و باید گفت که این اتحادیه امروز از رژیم‌های خود کامه و مستبد حمایت به عمل می‌آورد و هیچ توجهی به حقوق پامال شده ملت‌های عربی ندارد. اتحادیه عرب از ظلم و ستم رژیم‌های مرتجع عربی علیه ملت‌هایشان حمایت می‌کند. در هیچ برهه‌ای از زمان شمانمی‌توانید موضع شرافتمندانه‌ای از سوی این اتحادیه در همنوایی با ملت‌های پدید.

معرفی می‌کنند. مشخص است که این یک بازی است.

▼ **نیروهای عربستان سعودی از سال ۲۰۱۱ برای سرکوب انقلابیون به بحرین اعزام شدند. ریاض مدعی است که در بحرین از مشروعیت حمایت می‌کند. آیا این توجیه مورد قبول افکار عمومی است؟**

زمانی که در سال ۲۰۱۱ عربستان سعودی دخالت نظامی خود علیه انقلابیون در بحرین را کلید زد، این کشور را تحت اشغال خود درآورد. اکنون نیز ما معتقدیم



◀ پاپ سرانجام سکوتش درباره مسلمانان میانمار را شکست

«پاپ فرانسیس» رهبر کاتولیک‌های جهان، در سفر خود به بنگلادش بالاخره سکوت را شکست و از جامعه جهانی خواست تصمیم‌های قاطعانه‌ای درباره بحران مسلمانان روهینگیا اتخاذ کند. وی در این باره گفت: لازم است جامعه بین‌الملل برای حل این مشکل نه تنها به رفع آن دسته از مسائل سیاسی بپردازد که به آوارگی بخش عظیمی از مردم منجر شده است، بلکه باید فوراً به بنگلادش نیز برای رفع نیازهای ضروری پناهجویان، کمک مالی کند. گفتنی است پاپ در بخش اول سفر ۶ روزه خود به آسیای جنوب شرقی، به میانمار رفت حال آنکه سکوت وی در برابر ظلمی که این کشور به مسلمانان روهینگیا روا می‌دارد؛ موجب انتقاد از وی شد و عملکرد رهبری وی را زیر سوال برد.



گذری بر زندگی شهید «خالد بزی» فرمانده نامدار حزب الله لبنان

سید محمد موسوی

«مجهز الاستشهادیین»



«مگر حسین (ع) کربلا را ترک کرد؟»، این جوابی بود که رده‌های بالایی «حاج قاسم»، پس از آن که از طریق بی سیم از او خواستند تا زادگاهش -بنت جبیل- را ترک کند، شنیدند. روایت دیگری پاسخ او را این جمله ذکر می‌کند: «من این جا را جز با شهادت ترک نخواهم کرد». شهر در حال سقوط بود و «خالد بزی»، یا آن طور که رزمندگان تحت امرش او را می‌شناختند «حاج قاسم»، در خط مقدم و میان رزمندگان در حال اداره معرکه نبرد بود. اسرائیل از آغاز درگیری‌ها، تمام توانش را روی همین شهر کوچک نزدیک مرز گذاشته بود و به کمتر از ویرانی و اشغال آن راضی نمی‌شد. با شروع بمباران‌ها شهر خالی از سکنه شد و بعد از بمباران‌ها، با خاک یکسان. از شهری که روزی به «عروس الجلیل» معروف بود حالا دیگر چیزی جز مقدار زیادی آجر و سنگ و خانه‌های ویران شده باقی نمانده بود. کینه صهیونیست‌ها از بنت جبیل به شش سال قبل باز می‌گشت؛ روزی که پس از عقب نشینی تحقیرآمیزشان از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، دبیرکل جوان حزب الله در مراسم جشن آزادی جنوب که در بنت جبیل برگزار می‌شد سخنرانی کرد و اولین شکست تاریخ جعلی اسرائیل را به دنیا شناساند. همان جا، همان تاریخ و در همان مراسم بود که آقای دبیرکل، جمله معروفش را بر زبان آورد: «اسرائیل از خانه عنکبوت هم سُست تر است».

حالا، با این که شش سال از آن ماجرا می‌گذشت، صهیونیست‌ها - با کینه ورزی معروفشان که هیچ وقت هم فراموشش نمی‌کنند - دنبال تسخیر و اشغال بنت جبیل بودند؛ کاری که قبلاً سه بار انجام داده و با مقاومت چندانی هم روبرو نشده بودند. حالا اما اوضاع تغییر کرده بود؛ حزب الله از همان روز آزادی جنوب لبنان، خود را برای چنین روزی آماده کرده و اکنون وقت چیدن میوه زحمات شش ساله رسیده بود. این بار دیگر بنت جبیل آن لقمه لذیذ همیشگی نبود. بیش از یک هفته، ارتش اسرائیل با تمام توش و توانش تلاش کرد بنت جبیل را اشغال کند اما از هر دری وارد می‌شد، گلوله و آتش بود که بر سرش می‌ریخت. ارتشی که سال ۱۹۶۷ در عرض چند ساعت ارتشهای بزرگ و نیرومند عربی را به خاک سیاه نشانده بود حالا یک هفته پشت دروازه‌های بنت جبیل -آن هم در مواجهه با یک گروه کوچک اما با ایمان مقاومت - مانده بود و کاری از پیش نمی‌برد و همه این‌ها ثمره تلاش

شمشیر دارد. خدا یا خالد را بزرگ کن، که با ارتش اسرائیل بجنگد». شاید همین لایه‌های کود کانه بود که شوق جهاد و مقاومت را در دل خالد کاشت؛ شاید هم سه بار اشغال شهر زادگاهش توسط ارتش «دفاع!» اسرائیل -انگونه که خودشان می‌نامندش - و ظلمی که به مردمان مناطق اشغالی روا داشته می‌شد. هر چه بود، خالد خیلی زود خودش را در صفوف حزب الله دید. جایی که به او صفت «مجهز الاستشهادیین» دادند. در چند عملیات استشهادی، مأموریت آماده کردن ماشین پر از مواد منفجره و فرماندهی عملیات در عمق منطقه اشغالی را به او دادند و او هم خوب از پششان برآمد. یکی از این عملیاتها، عملیات استشهادی شهید صلاح غندور بود. یکی از نزدیک ترین دوستان خالد و حالا، از بازی روزگار، خالد باید مائینی که قرار بود مرکب دوست نزدیکش

سوم، ارتش سابقاً «شکست ناپذیر» اسرائیل سرانجام و پس از هجده سال داشت جنوب لبنان را ترک کرد. سرانجام جنوب آزاد شد؛ با زحمات خالد و هزاران «خالد» دیگری که جانشان را به میدان آورده بودند. حالا اما مأموریت تازه‌ای آغاز شده بود. سالیان درازی بود که اسرای لبنانی و فلسطینی در اسارتگاه‌های صهیونیست‌ها به بند کشیده شده بودند و آقای دبیرکل هم، وعده آزادی شان را داده بود. وعده آقای دبیرکل هم که «صادق» بود و تخلف ناپذیر. از همان روزهای پس از آزادی جنوب، برنامه ریزی‌ها برای آزادسازی اسرا آغاز شد. مدتی بعد، حزب الله عملیاتی را در منطقه «العُجْر» اجرا کرد؛ عملیاتی که هدفش گرفتن اسیر از میان سربازان اسرائیلی بود و فرماندهیش را هم حاج قاسم بر عهده داشت. عملیاتی که خوب شروع شد اما خوب پایان نیافت و با شکست مواجه شد. شکست اما برای حاج قاسم و یارانش مایه ناامیدی نبود؛ نردبان پیروزی بود و همین شد که کمتر از یک سال بعد و این بار هم با فرماندهی حاج قاسم، عملیاتی در منطقه «خله ورده» اجرا شد. عملیاتی موفقیت آمیز که نتیجه‌اش دو سال بعد دیده شد: آزادی اسرای لبنانی و در رأسشان سمیر قنطار؛ قدیمی ترین زندانی در بند صهیونیست‌ها و کسی که اسرائیل پیش از آن، هرگز حاضر به آزادیش نمی‌شد. پس از عملیات، اشغالگران به بهانه باز پس گیری دو سرباز به اسارت گرفته شده‌شان جنگی گسترده و طاق‌تورس را آغاز کردند. قیل از هر جایی، روستای «مارون الراس» مورد حمله قرار گرفت و بر خلاف انتظار اسرائیلی‌ها، مقاومت حزب الله در این شهر باورنکردنی بود. قسمت عمده شهر پس از ۱۰ روز بمباران و حمله همه جانبه سقوط کرد اما مقاومت ۱۷ رزمنده -این عدد را حزب الله بعد از جنگ اعلام

کرد- در برابر پنجمین ارتش قدرتمند دنیا برای ۱۰ روز خودش بزرگترین پیروزی بود. این جا هم نام خالد بزی می‌درخشید. فرماندهی دفاع از مارون الراس را او بر عهده داشت؛ شهری که هر چند بعد از ده روز مقاومت سقوط کرد اما مقاومت ۱۰ روزه مارون الراس، فرماندهان ارتش صهیونیستی را در توانمندی نیروهایش در پیروزی بر حزب الله عمیقاً دچار تردید کرد و همین تردید، سرنوشت جنگ را به سود رزمندگان مقاومت تغییر داد. اسرائیل تازه از کابوس مارون الراس و فرماندهی خالد بزی رهایی یافته بود که خالد، فرماندهی دفاع از بنت جبیل را برعهده گرفت؛ شهری که تا پایان جنگ سقوط نکرد و داغ اشغال آن بر دل سربازان متجاوز ماند. بنت جبیل تبدیل شد به قبرستان تانک‌ها و خودروهای زرهی اسرائیل. در همان منطقه کوچک، ۲۲ خودروی زرهی‌شان منهدم شد و ۲۷ سرباز هم کشته شدند و تمام اینها، در برابر تنها ۱۲ شهید حزب الله به دست آمد. در نهایت جنگ ۳۳ روزه با پیروزی حزب الله پایان یافت؛ پس از آتش بس، مردم لبنان پیروزی‌شان را جشن گرفتند و اشغالگران اسرائیلی، شکستشان را به سوگ نشستند. در این میان و در روزهای پرافتخار پس از پیروزی، همزمان خالد، جای خالی او را بیشتر از هر کس دیگری احساس می‌کردند. حتی هنوز که هنوز است، آنها که خالد را می‌شناسند جای خالی‌اش را احساس می‌کنند. جای خالی نماز شب خواندن هایش را، جای خالی رازداری و اخلاصش را، جای خالی کارهای بزرگی که می‌کرد و حتی خانواده‌اش باخبر نمی‌شدند و البته جای خالی آن جمله معروفش که: «شهادت یعنی جهاد، یعنی نماز شب، نماز اول وقت، یعنی غیبت نکردن و دروغ نگفتن، یعنی احترام گذاشتن به خانواده».

اسرائیل تازه از کابوس مارون الراس و فرماندهی خالد بزی رهایی یافته بود که خالد، فرماندهی دفاع از بنت جبیل را برعهده گرفت؛ شهری که تا پایان جنگ سقوط نکرد و داغ اشغال آن بر دل سربازان متجاوز ماند. بنت جبیل تبدیل شد به قبرستان تانک‌ها و خودروهای زرهی اسرائیل

و فرماندهی حاج خالد بزی بود. فرمانده منطقه که اسرائیلی‌ها قبل از آن هم از او خاطره خوشی نداشتند.

آن طور که مادرش بعدها تعریف می‌کرد، خالد کوچک را در گهواره چوبی دست ساز می‌خواباند و برایش لایه‌ای می‌خواند؛ لایه‌ای که بیش تر شبیه یک سرود حماسی بود: «خالد کوچک من، توی دستهایش



ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
ویژه جهان اسلام
مدیر مسئول و سردبیر: ایمان شمسایی
دبیر ویژه نامه: محمد مهدی رحیمی
تیم هنری: علی باقری، سید محمد حسینی
طراحی نامواره: سید میثم عرب عامری
www.qudsonline.ir

در قلب

میردالبر غوثی

در فلک، سیاره‌هایی است
در سیاره‌ها، زمین.
در زمین، قاره‌هایی
و در قاره‌ها، آسیا.
در آسیا، سرزمینی است،
در این سرزمین، فلسطین.
در فلسطین، شهرهایی است
در شهرها خیابان‌هایی،
در خیابان‌ها تظاهراتی،
در تظاهرات جوانی.
در سینه جوان قلبی است،
و در قلبش، گلوله‌ای ...

خیلی دور خیلی نزدیک



مقبره شهیدای انتصارالله یمن / سازمان‌های بین‌المللی از احتمال مرگ میلیون‌ها یمنی به دلیل گرسنگی و شیوع بیماری‌های فراگیر در اثر جنگ تحمیلی آل سعود خبر می‌دهند



قهرمانان «فاطمیون» رادنبال کنید



هر کسی که در سال‌های اخیر تحولات منطقه بویژه سوریه را رصد و دنبال کرده باشد، حتما اسم «فاطمیون» را شنیده است. لشکر فاطمیون، نیروهای رزمنده افغانستانی هستند که جزو نخستین گروه‌هایی بودند که خود را به صحنه نبرد شام رساندند و به مرور زمان از یک جمع محدود تبدیل به لشکر فاطمیون شدند تا در بسیاری از عملیات‌های ویژه و مراحل دشوار جنگ با تکفیری‌ها، رشادت‌هایشان زبانزد دوست و دشمن شود.

کانال تلگرامی «فاطمیون» در واقع رسانه رسمی این لشکر است که فعالیت گسترده‌ای هم در فضای مجازی دارد و در بخش معرفی آن آمده «کانال رسمی لشکر فاطمیون جهت نشر اخبار موثق و مستندات و مطالب شهدا فعالیت می‌نماید».

این کانال از بخش‌های متنوعی تشکیل شده و مخاطبان با مطالب جذابی در آن مواجه می‌شوند.

معرفی شهدای فاطمیون و بیان خاطرات مختلفی از ایشان از جمله این بخش‌هاست. همچنین در این کانال مراسم‌های تشییع یا بزرگداشت شهدای فاطمیون هم اطلاع رسانی می‌شود و سپس تصاویری از برگزاری آنها منتشر می‌شود.

از دیگر بخش‌های کانال انتشار تصاویر و فیلم‌های ناب از میادین نبرد و رشادت‌های رزمندگان فاطمیون است.

علاوه بر این، نماهنگ‌هایی با لهجه افغانستانی و تصاویر از رزمندگان و شهدای افغانی در کانال منتشر می‌شود.

برای دسترسی به کانال فاطمیون باید از لینک <https://t.me/fatemiyouun1434> بهره گرفت.



گذری علمی بر انقلاب مظلوم بحرین



«خیزش مسکوت، تحولات انقلابی بحرین» اثر پژوهشی جدیدی است به تحولات داخلی جزیره جنوبی ایران می‌پردازد که ۶-۷ سال است درگیر انقلاب مردمی است. این اثر که نوشته علی بغیری است تلاش می‌کند تا با رویکردی علمی و با تکیه بر داده‌های میدانی، قیام مردم مظلوم و ستمدیده بحرین را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد.

در چکیده این کتاب آمده است: تحولات بحرین ویژگی‌هایی دارد که آن را از تحولات مشابه خود در کشورهای دیگر متمایز می‌سازد. پررنگ بودن عامل شیعیان، طولانی شدن این تحول در عین تبدیل نشدن آن به جنگ داخلی و سکوت نهاد‌های مؤثر بین‌المللی و رسانه‌ها، برخی از این ویژگی‌های منحصر به فرد هستند. چرایی سکوت رسانه‌ای در قبال خیزش این کشور دغدغه اصلی این اثر است.

بنابراین، کتاب حاضر می‌کوشد تا با بررسی ابعاد مختلف تحولات انقلابی بحرین، به نحوی ماهیت آن را مشخص سازد که خواننده بتواند از گذر مطالعه آن خود به خود به پاسخی مناسب برای سکوت نهاد‌ها و رسانه‌های بین‌المللی در قبال تحولات بحرین دست یابد.

خیزش مسکوت را انتشارات اندیشه سازان نور در سال جاری منتشر کرده است.



«راه نجات»؛ اثری به یاد کودکان فلسطینی



حمایت از مردم مظلوم فلسطین همواره یکی از دغدغه‌های ایرانیان بوده است. مردم ایران با کمک‌های خود سعی کرده‌اند آرامش، امنیت و دیگر حقوق تضییع شده فلسطینیان را به آنها برگردانند. حمایت‌های مردم ایران در قالب‌های مختلفی صورت می‌گیرد. حضور در راهپیمایی روز قدس، کمک‌های سخت افزاری، تلاش‌های دیپلماتیک و پوشش رسانه‌ای بخشی از این کمک‌هاست. بخشی از حمایت‌های معنوی مردم در قالب ساخت فیلم‌های سینمایی در مورد آرمان آزادی فلسطین و مظلومیت فلسطینیان در سال‌های اشغال سرزمینشان است اما متأسفانه تعداد محصولات سینمایی درباره این موضوع محدود است که از جمله آنها فیلم سینمایی «راه نجات» است.

این فیلم اولین ساخته بلند سینمایی «راما قویدل» است. این فیلم داستان «مها»، مربی مهربان و دلسوز پرورشگاه بهشت در غزه است. بین مها و بچه‌های پرورشگاه ارتباط عاطفی عمیقی وجود دارد که لحظه‌های شیرینی را رقم می‌زند، اما یک حادثه باعث می‌شود مها حافظه‌اش را از دست بدهد ...

در «راه نجات» نادین سلامه (مها)، امانه والی (نبیله)، وسیم وحی (مالک) و پل سلیمان (اسامه) و جمعی از بازیگران کودک فلسطینی نقش آفرینی می‌کنند. راما قویدل در این فیلم برای مطابقت جزئیات لوکیشن با ویژگی‌های بومی فضا و بستر مکانی وقوع داستان فیلم، از مشاوره عبدالله عبدالحیم فیلمساز جوان فلسطینی و ساکن غزه نیز بهره گرفته است. تهیه‌کنندگی این اثر را که در سال ۹۱ تولید شده سعید سعدی بر عهده داشته است.